خبرها

علی آبادی: مدیر ورزش هستم و باید تصمیم می گرفتم

ایسنا: ثبت نام از کاندیداهای ریاست فدراسیون هفته آینده آغاز می شود. معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی تاکید کرد: ما در فوتبال به این نتیجه رسیدیم که نمی توان در مورد عملکرد فدراسیون فوتبال از مسئولان ذی ربط سئوالی پرسید و مهندس علی آبادی در پایان نشست روسای فدراسیون های ورزشی در رابطه با این که چرا از دادکان در مورد عملکرد تیم ملی سئوالی نپرسیدید و چرا برانکو برای پاسخگویی به مردم به ایران نیامد به خبرنگار ایسنا گفت: ما هم دنبال این قضیه بودیم، اما مانند موارد دیگری که پاسخی برای آن نیافتیم، به این نقطه رسیدیم که از فدراسیون نمی شود سئوالی کرد. امیدواریم در آینده شاهد روند رو به رشدی در فوتبال باشیم. وی اضافه کرد: ما خیلی هم نباید به پشت سر خود نگاه کنیم. نه فوتبال تمام می شود نه ورزش، اگر جامعه را محدود به گذشته کنیم، آینده را هم از دست می دهیم. رئیس سازمان تربیت بدنی تصریح کرد: از همه همکاران خود خواسته ام با سعه صدر، گذشت و بزرگی نسبت به این قضیه نگاه کنند و فکر کنند که تک تک آنها مسئول ورزش هستند، به آنها گفته ام باید همه حرف هایی که زده می شود را تحمل کنند و برنامه ریزی کنیم تا ملی پوشان از بهترین امکانات بهره ببرند. معاون رئیس جمهور در پاسخ به این سئوال که دادکان در اظهارات خود گفته بود رئیس سازمان تربیت بدنی نمی تواند وی را برکنار کند، گفت: من رئیس ورزش هستم و در هر کجا از طریق کار کارشناسی به این نتیجه برسیم که فردی نمی تواند فدراسیون را هدایت کند و یا با مشکلات خاصی مواجه است، باید تصمیم بگیرم. با این توصیف من با هیچ یک از روسای فدراسیون های ورزشی اختلاف نظر ندارم. این کار علمی و کارشناسی است که روال کار ما را مشخص می کند. در هر کار کارشناسی نیز کمیته ملی المپیک و سازمان تربیت بدنی نظرات کارشناسی خود را به ما ارائه می کنند و موضوع به صورت دقیق و کالبدشکافی شده در حضور خود فدراسیون بررسی می شود. وی ادامه داد: در مورد فوتبال نیز طی کار کارشناسی که ما پیش از مسابقات جام جهانی انجام داده بودیم به فدراسیون توصیه کردیم در کادر مربیگری تغییراتی انجام داده شود. این در حالی است که شخص من به تنهایی هیچ نقشی در نتیجه گیری نهایی تصمیمات نداشتم و تنها بر مدیریت کار نظارت داشتم. علی آبادی با بیان این که ما به فدراسیون فوتبال گفته بودیم که باید از بازیکنان جوان تری در ترکیب استفاده کند به ایسنا گفت: با همه این توصیه ها، فدراسیون به هیچ یک توجه نکرد. بالطبع من باید طی تصمیمی قبل از جام جهانی و یا پس از آن وضعیت فوتبال را مشخص می کردم که مقرر شد این کار به پس از مسابقات موکول شود، این در حالی است که ما به این مسابقات بسیار امیدوار بودیم که با دست پر از جام جهانی بازخواهیم گشت، اما چنین اتفاقی نیفتاد و نتیجه کسب شده پاسخگوی نیاز مردم نبود. پس از آن طی تعاملی کارشناسی که انجام شد به این نتیجه رسیدیم که سکان هدایت این فدراسیون بزرگ که دارای طرفداران زیادی نیز هست به فرد دیگری سپرده شود. با این توصیف امیدواریم همه بخش ها به ما کمک کنند تا بهترین انتخابات برگزار شود و از فرد منتخب نیز می خواهم از همه توان کشور استفاده کند و با هماهنگی نزدیک با رسانه های گروهی، فدراسیون فوتبال را حمایت و هدایت همه جانبه کند. مهندس علی آبادی در ادامه گفت وگو خود با بیان این که از کیومرث هاشمی خواسته است حداکثر تا پایان هفته آینده کار ثبت نام از کاندیداهای ریاست فدراسیون فوتبال را آغاز کند، گفت: امیدواریم با انجام ثبت نام و انتخاب فردی شایسته و با استفاده از بهترین ارتباطات و با کمک همه دست اندرکاران ورزش، استعدادهای فوتبال بیش از گذشته به شکوفایی برسد. تا پیش از این اقدام نیز مسئولان ذی ربط در مرکز توسعه ورزش قهرمانی پیگیر امور هستند که در جام ملت های آسیا آسیبی نبینیم. وی در رابطه با این موضوع که سازمان تربیت بدنی چه گزینه ای را مد نظر دارد گفت: مبنای سازمان بر گزینه خاصی نیست. سازمان قصد دارد با تعامل با رسانه ها و دست اندرکاران ورزشی انتخابات بدون دغدغه و قدرتمند در چارچوب قانون برگزار شود. وی همچنین در پاسخ به سئوال دیگری در رابطه با عقد قراردادهایی با رقم بالا از سوی برخی باشگاه ها با فوتبالیست ها به ایسنا گفت: من صددرصد مخالف این قضیه هستم چرا که ورزش نباید این قدر بهای سنگینی را بپردازد که بعداً قابلیت کنترل نداشته باشد. ما نیز نگران بالا رفتن قیمت ها و اداره آن هستیم.

سیموئز: سفر به برزیل با این شرایط ارزشی نداشت

سفر تیم ملی امید فوتبال به برزیل لغو شد. آماده نشدن پاسپورت هشت بازیکن تیم ملی امید فوتبال ایران سبب شد تا اردوی تیم ملی ایران در برزیل لغو شود. رنه سیموئز گفت: «سفر به برزیل با این شرایط ارزش نداشت. چند روزی منتظر شدیم اما پاسپورت هشت نفر از بازیکنان آماده نشد.» سه شنبه گذشته بیست و پنج بازیکن زیر بیست و سه سال به اردوی آمادگی تیم ملی امید دعوت شده بودند و تمرینات خود را از روز چهارشنبه آغاز کردند اما مشکلات سربازی مانع از سفر تیم امید ایران به برزیل شد. این درحالی است که سیموئز تاریخ سفر به برزیل را پیشتر به کمیته ملی المپیک اعلام کرده بود و برنامه کلی تیم در رسانه ها منتشر شده بود. سیموئز در آن هنگام سفر به برزیل را یکی از سه برنامه مهم خود برای آماده سازی تیم تا بازی های آسیایی دوحه اعلام کرد. سرمربی برزیلی تیم امید ایران پس از دیدار برزیل برابر فرانسه به سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا گفت: «قرار بود پنج شنبه به برزیل پرواز کنیم، اما هنوز به دنبال گذرنامه ها هستیم. تا هم اکنون دو بازی نخست با سائوپائولو و سانتوز را از دست داده ایم و تا زمانی که بخواهیم پاسپورت و ویزای این نفرات را آماده کنیم همه بازی ها را از دست خواهیم داد. لیگ برزیل بلافاصله پس از جام جهانی پیگیری می شود و بر این اساس من پیشنهاد این اردو را دادم، اما با این شرایط بهتر است قید این سفر را بزنیم چرا که دیگر امیدی به توافق مجدد با آنها، آن هم در این زمان نامناسب نداریم.» طبق برنامه از پیش اعلام شده قرار بود تیم ملی ایران در برزیل با تیم سائوپائولو قهرمان باشگاه های جهان در اول جولای، با سانتوز در پنجم جولای و پالمیراس در هشتم جولای بازی کند. تیم امید ایران در پایان این تور تدارکاتی به اروگوئه سفر می کرد تا در مونته ویدئو دو بازی دوستانه با تیم زیر ۲۳ ساله های این کشور انجام دهد.

چهره

درباره تو اشتباه نکرده ایم، رونی

دلمان خوش بود به اینکه استاد می آید و جام جهانی ۲۰۰۶ را به یک جام جهانی درجه یک بدل می کند و خوشحال بودیم که پس از مدت ها ستاره ای را یافته ایم که می توانیم با دیدن بازی هایش در جام جهانی به خود ببالیم که در عصر او زندگی می کنیم و پیش خودمان می گفتیم از کجا معلوم که چهار سال دیگر باشیم، بگذار همین حالا از این هنر بی نظیر لذت ببریم. اما رونالدینیو آن بازیکنی نبود که منتظرش بودیم، نه آنکه چنین بازیکنی نباشد، بلکه در این جام جهانی نبود. استاد سال گذشته چنان بارسلونا را به بهترین تیم جهان فوتبال بدل کرده بود که خیلی ها می گفتند او یک تنه برزیل را قهرمان جهان می کند، اما این عده که ما هم جزء آنها بودیم، یک چیز را فراموش کرده بودند و آن این بود که رونالدینیو هر چقدر هم هنرمند باشد، باید از هنرش بهره گرفته شود وگرنه او هم به یک بازیکن معمولی بدل می شود، چنان که در این جام جهانی شد. استاد در این جام بعضی جاها آن هنر نابش را به تصویر کشید و در این چند بازی یکی دو پاس کم نظیر داد که بدانیم او همان نابغه دوست داشتنی خودمان است، اما خب، وقتی مربی یک تیم بلد نباشد از بازیکنی چون اوسر جای خودش بهره بگیرد و از تمام توانایی های او به نفع تیمش استفاده کند، چنین می شود که رونالدینیو در گوشه ای از زمین گرفتار می شود و نه راهی به عقب دارد و نه راهی به جلو. اینکه می بینید او در بارسلونا بازیکنی بی همتا است به خاطر حضور بازیکنانی مثل اتوئو، دکو، ژاوی، جیو و... است و به دلیل اینکه فرانک رایکارد کاملاً دریافته که باید از او چگونه بهره بگیرد، چنان که فرانسوی ها در بازی شنبه شب بلد بودند از هنر زیدان کبیر استفاده کنند. کاش رایکارد به کارلوس آلبرتو می گفت که رونی مثل هر بازیکن نابغه ای باید آزاد باشد و کاش تاکید می کرد که باید به او مسئولیت داد که اگر می گفت، رونالدینیو فدای بازیکنانی چون زی روبرتو و کاکا نمی شد و دامنه حرکتی اش به جناح چپ خط هافبک برزیل محدود نمی شد. اصلاً یکی از نکات جام جهانی این بود که بدانیم رایکارد و تمام مربیانی که ستاره هایشان را در بالاترین کیفیت بازی شان به کار می گیرند چه مربیان خوبی هستند که یاد گرفته اند چگونه از ابزارهایشان استفاده کنند. ما هم که عاشق بازی استاد رونالدینیو هستیم باید چند ماه منتظر بمانیم تا دوباره او را در تیم شکوهمند بارسلونا ببینیم و از آن هنر ناب لذت ببریم و خوشحال باشیم که در عصر او زندگی می کنیم. ما درباره رونالدینیو اشتباه نکرده ایم.

نیمکت

ضدقهرمان

اینکه آدم از یکسری بازیکن درجه یک، یک تیم معمولی بسازد که همان بازیکنان در این تیم به بازیکنانی ضعیف و ناکارآمد بدل شوند، هنر بزرگی است که جناب کارلوس آلبرتو پریرا آن را دارد. بازی های درخشان رونالدینیو، کاکا، رونالدو، کافو، روبرتو کارلوس و سایر برزیلی ها را به خاطر بیاورید و آنها را مقایسه کنید با نمایش های اینها در این جام جهانی. اصلاً همه این بازیکنان را بگذاریم کنار و همین رونالدینیو را نگاه کنیم. واقعاً هنر کارلوس آلبرتو در این بود که از رونالدینیو در جام جهانی یک بازیکن معمولی ساخت که اصلاً با آن بازیکن درجه یک بارسلونا قابل مقایسه نبود. از همه اینها که بگذریم، برزیل در جام جهانی ۲۰۰۶ تیم دندان گیری نبود، بازی هایش به دل نمی نشست و جوری بازی نمی کرد که هنر ستارگانش به چشم بیاید و این مستقیماً برمی گشت به کادر رهبری این تیم که نتوانسته بود از ترکیب این ستارگان تیمی یک دست بسازد و یکی را فدای دیگری کرده بود. البته این را هم فراموش نکنیم که برزیل از نظر مهره بهترین تیم جام نبود. روبرتو کارلوس و کافو پیر شده بودند و دیگر مثل سابق نبودند که ۹۰ دقیقه بروند و بیایند و خسته هم نشوند. دفاع شان دفاع محکمی نبود، در خط هافبک بدسلیقگی در چینش بازیکنان موج می زد و آدریانو و رونالدو چنان که در فصل گذشته دیدیم، آن چیزی نبودند که به درد برزیل بخورند به ویژه آدریانو که ثابت کرد یک مهاجم معمولی است. البته کارلوس آلبرتو می توانست با بازی دادن به بازیکنانی چون گیلبرتو به جای کارلوس و سیسینیو به جای کافو و نیز آزاد کردن رونالدینیو از قید و بند تاکتیکی به برزیل جانی دوباره ببخشد، اما خب همین چیزهاست که مربیان را از هم متمایز می کند. بین مربی ای که برخی از ستارگانش را به دلیل ناکارآمدی در روش بازی تیم نیمکت نشین می کند و مربی ای که از همه ستارگانش در هر شرایطی در کنار هم بهره می گیرد و کاری می کند که هیچ کدام نتوانند بازی خودشان را به تصویر بکشند، زمین تا آسمان فاصله است. فاصله ای که بین ریموند دومنک و کارلوس آلبرتو پریرا هم وجود داشت و سرانجام موجب شکست برزیل شد.

آس

انتخاب صحیح دومنک

فهرست ملی پوشان فرانسه سروصدای همه را درآورده بود. از دومنک ایراد می گرفتند چرا ژولی و پیرس را نادیده گرفته و به جای آنها یک بازیکن بی تجربه به نام فرانک ریبری را انتخاب کرده. نام فرانک ریبری هافبک ۲۳ ساله مارسی که در کارنامه او حتی یک دیدار ملی هم دیده نمی شد در لیست نهایی دومنک دیده می شد و جالب تر اینکه مربی فرانسه او را در ترکیب اصلی قرار می داد. ریبری در جام جهانی ثابت کرد که این تصمیم دومنک به چه میزان خوب و مثبت بوده. این بازیکن جوان و پرانرژی که با آن ظاهر غیر معمولی اش کاملاً به چشم می آید در این چند بازی فوق العاده کار کرده و ثابت کرد ترجیح دادن او به پیرس و ژولی به چه دلیل بوده. ریبری پس از سپری کردن یک دوره کوتاه در گالاتاسرای فصل گذشته با پیراهن مارسی بازی های خوبی به نمایش گذاشت و خود را به تیم ملی و دومنک تحمیل کرد. در کنار باتجربه های فرانسه ریبری مکمل بسیار خوبی است. با قدرت دوندگی بالایش یک اسلحه بسیار خوب برای خروس ها محسوب می شود و مطمئناً در ادامه جام می تواند باز هم به کمک تیمش بیاید. به احتمال فراوان پس از جام جهانی بسیاری از تیم های بزرگ جهان برای به خدمت گرفتن این بازیکن بااستعداد پیشقدم خواهند شد. در کارنامه او ۸ بازی و یک گل دیده می شود. گل او را که به یاد دارید. همان گل سرنوشت سازی که به اسپانیا زد. فراموش نکنیم که ریبری درخشش خود را تا حدودی مدیون دومنک است. مربی فرانسه او را به بزرگانی چون ژولی و پیرس ترجیح داد و همچنین سیستم بازی فرانسه به گونه ای است که ترزگه روی نیمکت می نشیند و ریبری در زمین غوغا می کند.

عکس روز

وداع با بازوبند

شنبه غم انگیز انگلستان با اشک های دیوید بکام همراه بود. او برای آخرین بار بازوبند کاپیتانی را بست و پس از شکست و خداحافظی از جام جهانی اعلام کرد دیگر کاپیتان جزیره نخواهد بود. چه وداع غم باری.

طرح روز

راهی به سوی دروازه

فیروزه مظفری

چهره

شکست خورده

مهدی زعیم زاده: رونی اگر می خواهد بداند چه روزهایی در انتظارش خواهد بود بد نیست از بکام در این مورد سئوال کند. پس از جام جهانی ۱۹۹۸ و حذف انگلیس در ضربات پنالتی مقابل آرژانتین هواداران فوتبال در انگلیس تا چند هفته روزگار بکام را سیاه کردند. بکام در آن بازی یک کارت قرمز بچگانه گرفت تا به عنوان مقصر اصلی حذف انگلیس پرادعا معرفی شود. انگلیس می خواست از بکام منفور انتقام بگیرد و به همین علت بود که بکام به جای بازگشت به انگلیس روانه آمریکا شد. گویا آمریکا بهترین جا برای بازیکنانی است که در جام جهانی ضعیف ظاهر می شوند! در انگلیس همه دیه گو سیمئونه فریبکار و بازیکنانی را که پنالتی هدر داده بودند فراموش کرده بودند و به دنبال بکام بودند. در بازی اول آن فصل منچستر برابر وستهام هواداران وستهام برای انتقام از بکام با خودشان چندهزار کارت قرمز به ورزشگاه آورده بودند و بدین صورت از ستاره منچستر استقبال کردند. به احتمال فراوان چنین روزهایی در انتظار رونی خواهد بود. همه برای بهبود مصدومیت او لحظه شماری می کردند تا بیاید و ستاره جام جهانی شود، اما رونی با کارت قرمزی که شنبه شب دریافت کرد تمام آرزوهای خودش و انگلیس را به باد داد. احتمالاً انگلیسی های بی رحم توجه نخواهند کرد که رونی مستحق اخراج شدن بوده و یا نه؟ و کسی از جرارد، لمپارد و کاراگر نام نخواهد برد. روزهای سختی در انتظار ستاره یونایتد خواهد بود. جام جهانی به بدترین شکل ممکن برای رونی به پایان رسید. او محبوب ترین ستاره انگلیس محسوب می شد اما در طول جام نتوانست بازی های درخشانی از خود ارائه دهد و یک ناکام مطلق بود. او هیچ وقت خاطرات خوبی از رویارویی با پرتغالی ها نداشته. در یورو ۲۰۰۴ در بازی با پرتغال مصدوم شد و نتوانست به بازی های خوبش ادامه دهد. چند ماه پیش هم توسط «پائولو فریرا»ی پرتغالی مصدوم شد و همین آسیب دیدگی موجب شد که نتواند با آمادگی کامل در آلمان حاضر شود. بهتر است رونی دیگر در اطراف پرتغالی ها آفتابی نشود.

ما پیش می رویم

گفت وگو

آنری: مهم همین است و بس

برای فرانسه همان طور که زیدان یک ستاره است، تیری آنری هم جایگاه خود را دارد و نمی توان از کنار او به آسانی گذشت. او فینال لیگ اروپا را از دست داد اما این بار نمی خواست که همان داستان تلخ تکرار شود. هرچند انتقادات زیادی هم وجود داشت اما گل طلایی او برای فرانسه سرآغاز دوره جدیدی در تاریخ فوتبال فرانسه است.

■ تیری شما با پیروزی مقابل برزیل برگ تازه ای را در تاریخ فوتبال فرانسه نوشتید و به نیمه نهایی رسیده اید. پیروزی مقابل برزیل بزرگ است، این طور نیست؟

من در کنفرانس مطبوعاتی قبل هم گفته بودم که این رویا نیست. اما باید اعتراف کنم که رسیدن به چنین پیروزی مثل یک رویا است. حالا ما باید سعی کنیم که تا انتها پیش برویم.

■ این طور به نظر می رسید که فرانسه به طور کامل بازی مقابل برزیل را تحت اختیار داشت. شما هم چنین احساسی داشتید؟

بله. ما بازی را خوب اداره کردیم. هرچند لحظات سخت و دشواری هم وجود داشت اما هیچ وقت عصبی نشدیم و در بیشتر زمان بازی توپ را به گردش درمی آوردیم. اما خب اگر برزیل هم توپ را می گرفت پس گرفتن آن خیلی سخت بود ولی مهم این بود که هیچ گاه اعصابمان به هم نریخت. در ده دقیقه اول چندان خوب نبودیم و آرام آرام بازی را در دست گرفتیم و آنها را به زحمت انداختیم. بعد از گل هم آنها توپ و بازی را در دست داشتند و ما به ضدحمله توجه بیشتری داشتیم.

■ شما فکر می کردید که بتوانید یک گل را حفظ کنید...

بله اما هنوز وقت باقیمانده مانده بود و ما نمی توانستیم کار دیگری بکنیم. ما باید دفاع می کردیم. همه به خاطر دیگری تلاش می کردند و می جنگیدند اگر تیم ما اینطور بازی نمی کرد آن وقت دیگر تفاوتی با دیگران نداشتیم.

■ دومنک گفته است که این بهترین بازی فرانسه در این جام بوده است، شما چه نظری دارید؟

مطمئناً. ما خیلی امیدوار هستیم که تا انتها خوب پیش برویم. من می دانم که شما دوست دارید از پرتغال حرف بزنید. اما در حال حاضر من می خواهم از این بازی و این پیروزی لذت ببرم. بعداً درباره پرتغال حرف می زنیم.

■ شما یک گل سرنوشت ساز و بی نظیر در برابر برزیلی ها به ثمر رساندید...

خب. زمان برای هر کسی می رسد. این بار نوبت من بود. فوتبال یک ورزش گروهی است و همه در یک گروه بازی می کنند. مهم نیست که چه کسی گل می زند، چه کسی خوب بازی می کند و چه کسی بد بوده. فقط لحظه ای که گل زده می شود و پاس داده می شود اهمیت دارد.

■ در نهایت پاس زیدان به شما رسید و تمام شد.

بله. پرونده آن طوری بسته شد. زیدان توپ های خوبی برایم فرستاد و قبل از آن هم چند موقعیت داشتم. مردم خیلی در این مورد حرف می زدند و کسی انتظار نداشت که ما در جام جهانی بتوانیم خوب بازی کنیم و برنده شویم. حالا همه چیز برایمان خوب اتفاق افتاده است و من هم در کنفرانس مطبوعاتی نمی خواهم در مورد خودم حرف بزنم. این را جدی می گویم. من خیلی خوشحالم که گل زدم اما اصلاً مهم نیست. مهم این است که ما از این مرحله رد شده ایم و به نیمه نهایی رسیده ایم.

■ در مورد آن گل حرف بزنیم.

ما دو سه موقعیت خطرناک روی ضربات ایستگاهی داشتیم. خصوصاً روی آن ضربه ای که ویرا جلوتر از من بود و با ضربه سر توپ را زد اما آن را فراموش کردم. شاید هم در چنین موقعیتی شما ضربه را بزنید و بیست متر آن طرف تر توپ بیرون برود. مهم این است که روز دلخواه شما برمی گردد.

■ این پیروزی هیجان بزرگ تری را نسبت به پیروزی مقابل اسپانیا به وجود آورد، این طور نیست؟

شما هم همین هیجان و احساس بزرگ را در شب پیروزی مقابل اسپانیا دیدید مهم این است که تیم ما پیش می رود و نام حریف مهم نیست.

نگاه

پایان جام جهانی تفننی برای ایران

ترجمه: نازک افشار

با آنکه بیش از یک هفته از حذف ایران از جام جهانی می گذرد اما هنوز هم مطالبی در مورد ستارگان ایران در مطبوعات خارجی چاپ می شود. روزنامه لوموند در یک یادداشت آخرین روزهای حضور ایران در فریدریش هافن را مورد بررسی قرار داده است. این مطلب نگاهی نسبتاً متفاوت به اوضاع و احوال تیم ملی فوتبال ایران است.

■■■

تیم فوتبال ایران رقابت ها را ترک می کند. همین طور محل اقامتش را. البته پس از یک بازی بی فایده در برابر آنگولا.

یک بازیکن فوتبال در جام جهانی چه می کند، هنگامی که تیمش دو بار شکست را تجربه کرده و رویای صعود به دور بعد را بر بادرفته می بیند؟ او دمپایی های لاانگشتی اش را به پا می کند و بعد شیرجه ای در استخر هتل.

قرار است که یکشنبه بعد از ظهر، ۲۳ بازیکن ایرانی با مربی کروات خود، برانکو ایوانکوویچ، در استادیوم فردریش هافن در کنار دریاچه کنستانس، تمرین کنند. زنگ ساعت چهار بعد از ظهر به صدا درمی آید. از هیچ کس خبری نیست. حتی باغبان. مسئول زمین می گوید که آنها صبح آمده اند، کمی دویده اند و پا به توپ شده اند و به نظرش دیگر در آن روز باز نمی گردند.

راه هتل را در پیش می گیریم. هتلی ساده مقابل یک میدان در محله ای مسکونی. مسائل امنیتی مراعات می شود ولی توریست ها به راحتی وارد هتل می شوند. پشت هتل، یک استخر شنا واقع شده است. داخل استخر به اندازه کافی بازیکن ایرانی وجود دارد که بتواند یک تیم و نیز نیمکت ذخیره نشینان را تشکیل دهد. بچه ها زیرآبی می روند، به همدیگر آب می پاشند و آفتاب می گیرند. یکی از بازیکنان با موهایی که نامرتب خشک شده با کلاه کپی برعکس در حالی که به سمت اتاقش می رود، آرام می گوید که دیگر نیازی به تمرین نیست. مسئول مطبوعاتی تیم، عباس وزیری، به انگلیسی می گوید: نو اینترویو: مصاحبه نمی کنیم.

ایران جام جهانی را ترک می کند. یک روز پس از سومین بازی اش. دو نیمه در برابر آنگولا برای اعاده حیثیت. تیم ایران با نتیجه ۳ بر ۱ مغلوب مکزیک شده و پرتغال نیز با نتیجه ۲ بر صفر این تیم را شکست داده است. ستارگان ایران دیگر فقط به تعطیلات می اندیشند.

سرمربی تیم ایران، برانکو ایوانکوویچ، در بدو ورود به آلمان بسیار جدی گفته بود که تیم من بهترین تیم تاریخ فوتبال ایران است و ما می توانیم به بازی های یک چهارم نهایی بیندیشیم. ولی نه، این طور نشد. او سپس این گونه اظهارنظر می کند: ما چهره بسیار خوبی را از خود نشان دادیم. شاهد این ادعا نیز سخنان لوئیس فیلیپه اسکولاری، سرمربی تیم پرتغال است که می گوید تیم ایران شایسته احترام است چون از بازیکنان خوبی برخوردار است و آنها آینده خوبی دارند.

ما در حال حاضر تمام تلاش خود را می کنیم تا در بازی آخرمان پیروز شویم. این ها سخنان مردی است که دکترای تربیت بدنی دارد و گفته که همواره چمدانش حاضر و آماده بوده است زیرا در کشوری زندگی کرده است که به سبب فشار مطبوعات، سرنوشتش در یک چشم به هم زدن می توانسته از این رو به آن رو شود.

در فردریش هافن، ایرانی ها، جام جهانی نسبتاً سبک و بی دردسری را تجربه کردند. در هتلی آرام با محیطی گرم و دلپذیر، به سبک پانسیون های خانوادگی. آنتن ماهواره ای برای گرفتن کانال های تلویزیونی برایشان نصب شده بود و مدیریت هتل هم کاملاً گوش به فرمانشان بود. در یکی از اتاق ها هم نمازخانه ای دایر شده بود. یکی از کارمندان هتل می گفت: به آن اتاق زیاد رفت و آمد می کنند نوشابه های الکلی از داخل یخچال های کوچک درون اتاق ها برداشته شده بود. یک سرآشپز هم از تهران با هیات ایرانی همراه شده بود. به گفته مدیریت هتل این آشپز مردی بسیار مهربان بود و در تمام مدت حاضر بود طعم غذاهای کشورش را به مشتریان دیگر هتل بچشاند.

در ورودی شهر نوار پارچه ای بزرگی مقدم تیم ملی ایران را خوشامد می گفت. همین بی پیرایگی در حول و حوش استادیوم محل تمرین نیز حکمفرما بود. برانکو ایوانکوویچ می گفت که توقع بیش از این نداشته و در واقع در جست وجوی چنین جای آرامی برای تمرکز حواس بوده است.

بازیکنان تیم ایران مدتی اجازه خارج شدن از محوطه و رفتن به اطراف دریاچه را نداشتند ولی دو بار آنها را دیده اند که در پیاده روهای دور و بر در حالی که ساک هایشان را کج روی کولشان انداخته بودند با خلق و خویی خوش برای خود قدم می زده اند. می گفتند در حال خرید سوغاتی هستند.

بخش جدی اقامتشان در خاک آلمان، بازدید از موزه زپلین بود؛ ظاهراً به یادماندنی ترین بخش.

در سال ۱۹۹۸، تیم ملی ایران ناقوسی تاریخی را به صدا درآورد و آن پیروزی ۲ بر ۱ در دور اول مسابقات جام جهانی در برابر آمریکا بود. مصافی بیشتر سیاسی تا ورزشی که به یک واقعه تبدیل شد. این بار حضورشان در جام جهانی آرام تر و بی سر و صداتر بود. در کنج خلوت خودشان.

*** الن مرسیه، فرستاده ویژه به فردریش هافن**
۲۱ ژوئن ۲۰۰۶